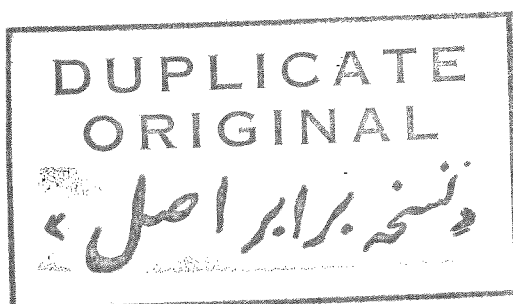


IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داری دعوی ایران - ایالات متحدہ
ثبت شد - FILED	
Date	۱۳۶۲ / ۴ / ۸ 29 JUN 1984
No	49-50

پرونده‌های شماره ۴۹ و ۵۰

شعبه دو

حکم شماره ۲ - ۴۹/۵۰ - ۱۳۶



گولد مارکتینگ اینکورپوریتد،

جانشین هوفمن اکسپورت کورپوریشن،

خواهان،

- و -

وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران،

خوانده.

 حکم

حاضران

از جانب خواهان:

آقای فیلیپ ام. ریزیک

آقای شلدن آی. ماتسکین،

وکلاي خواهان،

آقای جیمس ریید،

مدیر قراردادهای خواهان

از جانب خواننده : آقای اکبر شیرازی ، مشاور حقوقی
نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران

آقای حیدرعلی پاینده ،
وکیل خواننده

آقای محمد بهرامی

آقای الف. داعی ،
نمایندگان خواننده ،

همچنین : آقای جان کروک ، نماینده رابط ایالات متحده آمریکا

آقای جان رینولدز ، مشاور نماینده رابط ایالات متحده آمریکا

بخش اول - ادغام ادعاها

گرچه ادعاهای شماره ۴۹ و ۵۰ به عنوان دو پرونده جداگانه به جریان انداخته شده‌اند، با اینحال متضمن طرفها و قراردادها و ذیربط واحدی بوده، جلسات استماع مربوطه دو پرونده توسط شعبه دو در دو روز متوالی برگزار گردیده و می توان بدون تاخیری در کار صدور حکم به دو پرونده فوق تواما " رسیدگی کرد. با توجه به ملاحظات فوق و نیز این واقعیت که دیوان دآوری تصمیم گرفته است حکمی به نفع خواننده در پرونده شماره ۴۹، و حکمی به نفع خواهان در پرونده شماره ۵۰، صادر کند، دیوان مقتضی دانسته که به دو پرونده تواما " رسیدگی کند تا بتوان مبلغ خالصی را طی یک حکم منظور کرد.

بخش دوم - ادعای شماره ۴۹

الف - رسیدگیهای قبلی و اظهارات طرفین

۱ - جریان رسیدگی

در تاریخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۸۳ (۵ مرداد ماه ۱۳۶۲)، دیوان دآوری قرار اعدادی شماره ۲ - ۴۹ - ۲۴ (2 - 49 - 24 - ITL) را صادر و ضمن آن رای داد که برخی از تعهدات هوفمن اکسپورت کورپوریشن ("هوفمن") و وزارت دفاع ملی ("وزارت دفاع") طبق موافقت نامه ۱۹۷۵ خرید رادیوها و تجهیزات آزمایشی و خدمات مربوطه از دسامبر ۱۹۷۸ بواسطه اوضاع و احوالی که در حکم شرایط فورس ماژور بوده، به حالت تعلیق درآمده است. همچنین بر اساس ادله و مدارک تسلیمی در این پرونده دیوان، رای داد که تداوم شرایط فورس ماژور، در اوایل سال ۱۹۷۹ منتهی به فسخ قرارداد به سبب انتفاء یا عدم امکان اجرای تعهد، گردیده است. مع هذا، دیوان دآوری در مورد پی آمدهای این نتیجه گیری تصمیمی اتخاذ نکرد و از طرفین تقاضا نمود که راجع به اشرفسخ

قراردادشان و نیز در مورد مسایل خاص مربوطه اظهار نظر کنند .

به دنبال تسلیم لوائح توجیهی از جانب هر دو طرف ، جلسه استماعی در تاریخ ۲۷ اکتبر ۱۹۸۳ (۵ آبانماه ۱۳۶۲) برگزار گردید .

۲ - اظهارات طرفین

هیچیک از طرفین معتقد نیست که بایده در وضعیتی که متعاقباً انتفاء قرارداد (frustration of contract) بوجود آمد باقی گذاشته شود . خواهان اظهار می دارد که نه فقط بایده حق الزحمه تعهدات قراردادی را که پیش از فسخ قرارداد انجام داده دریافت کند ، بلکه ، همچنین بایده خسارت کلیه هزینه های متحمل در رابطه با بقیه تعهدات قراردادی اش را که به علت انتفاء قرارداد اجرا گردید ، دریافت نماید . خواهان ، بر اساس این نظریه ، ادعای نماید که استحقاق دریافت حداقل ۴،۵۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا ، شامل بهره ، خسارت تنزل ارزش دلار و هزینه های داوری را ، دارد .

خواننده و خواهان متقابل ، وزارت دفاع ، معتقد است که استحقاق استرداد مبلغ ۷،۰۱۰،۸۷۰ دلار آمریکا از هوفمن را دارد . طبق ادعای وزارتخانه یاد شده این رقم مابه التفاوت مبالغ پرداخت شده به هوفمن و ارزش تعهدات قراردادی انجام و ارائه شده به وزارت دفاع را ، تشکیل می دهد . وزارتخانه یاد شده ، همچنین ادعای متقابلی به مبلغ ۱،۷۰۷،۳۹۶ دلار آمریکا بابت قیمت قراردادی اقلامی که حسب ادعا جهت تعمیر به هوفمن ارسال شده ولی هرگز عودت داده نشده ، مطرح ساخته و طالب خسارت بابت نقض ادعائی قرارداد توسط هوفمن ، است . کل مبلغی که وزارتخانه مذکور مدعی است استحقاق دریافت آن را دارد ۴۳،۷۳۷،۵۹۳ دلار آمریکا ، شامل بهره و هزینه ها می باشد .

ب - اصل دعوی

۱ - ادعا

فسخ قرارداد در نتیجه انتفاء آن به وضوح برای هر دو طرف مشکل ایجاد کرده است. نه فقط وزارت دفاع تمام آنچه را که به موجب قرارداد استحقاق داشته دریافت نکرده، بلکه خواهان نیز در ارتباط با تعهدات قراردادی اجرا شده اش کوششهایی مبذول و پولهای مصروف کرده است. قرارداد مقرر می دارد که قوانین آمریکا (کالیفرنیا) حاکم بر آنست. طبق قوانین آمریکا، (و نیز طبق قوانین انگلیس از سال ۱۹۴۳ بعد) اصل کلی که برای توزیع منصفانه پیآمدهای انتفاء قرارداد اعمال می شود اینست که مبلغ واجب الادا طبق قرارداد به تناسب میزان اجرای قرارداد تقسیم می گردد. چنانچه هیچگونه پولی پرداخت نشده باشد، طرفی که به تعهدش عمل کرده، به میزان اجرای تعهد مستحق دریافت حق الزحمه است. چنانچه پرداخت صورت گرفته، طرفی که پول گرفته حق دارد آن مقدار از پول را که متناسب با اجرائیش باشد نگهداشته و هر مبلغ مازاد بر آن را باید مسترد نماید.^(۱)

در اعمال این اصل کلی، دیوان باید از تحمیل بلاجهت با مشکلات ناشی از فسخ قرارداد به هر طرف، اجتناب ورزد، صرف نظر از اینکه تقسیم منصفانه این بار برای دیوان، سهل تر دادگانه دیگر چقدر مشکل و برای مادره چقدر ناراستی تواند باشد، چنین منکر و چنین ناراستی

(۱) در مورد حقوق آمریکا رجوع شود به:

6 Corbin on Contracts §1367 et seq. (1962); 18 Williston Law of Contracts §1973 et seq. (1978);

در مورد حقوق انگلیس رجوع شود به:

Fibrosa Spolka Akcyjna . Fairbairn L.C.B. Ltd., (1943) A.C. 32

قا عده متاسبی در حقوق مدنی به چشم می خورد. در مورد حقوق فرانسه رجوع شود به:

Répertoire Dalloz, Droit Civil, Contrats et Conventions
par Boyer 271, 272.

نمی‌تواند موجبی برای امتناع از تا مین هرگونه خواسته‌ای باشد.

دیوان داوری ، حال باید مشخص نماید که هوفمن تا چه حد تعهدات قراردادی اش را تا غیر ممکن شدن اجرای آن ، انجام داده ، و همچنین باید تعیین نماید که آیا بر مبنای چنین اجرائی نا میرده استحقاق دریافت مبالغ بیشتری را دارد ، یا اینکه به عکس ، باید بخشی از مبالغی را که دریافت کرده به وزارت دفاع عودت دهد. دیوان ، در تعیین ارزش کار انجام شده توسط خواهان ، همچنانکه هر دو طرف ، خود عمل کرده اند شروط ذیربط قرارداد را ملاک عمل قرار خواهد داد.

در قرارداد مبلغ ۲۳،۹۳۴،۰۳۰ دلار آمریکا به عنوان حق الزحمه اجرای تام و تمام قرارداد تعیین شده بود. از این مبلغ ۲۳،۹۳۴،۰۳۰ دلار آمریکا ، مبلغ ۲۳،۰۵۵،۰۹۰ دلار آمریکا می‌بایست طی دو پیش پرداخت ، هر یک به میزان ۵،۹۳۸،۵۰۷ دلار آمریکا و پرداختهای ادواری بعدی در راس مهلت مقرر* تادیه میشد. مابقی ۸۷۸،۰۴۰ دلار آمریکا بابت حق الزحمه نمایندگان محلی (هوفمن) ، می‌بایست به طور جداگانه در اقساط سالانه هر یک به میزان ۸۷،۸۰۴ دلار آمریکا پرداخت میگردد.

از تاریخ آغاز قرارداد تا پائیز ۱۹۷۸ ، کلیه پیش پرداختها و پرداختهای ادواری بعدی به موقع توسط وزارت دفاع تادیه شد. وزارت دفاع همچنین صورتحسابی به مبلغ ۸۷،۸۰۴ دلار آمریکا بابت خدمات نماینده محلی پرداخت ، ولی صورتحساب سال دوم را تادیه نکرد. اختلافی در این نیست که هنگامی که هوفمن نماینده محلی خود را در دسامبر ۱۹۷۸ فراخواند و وزارتخانه یاد شده نیز متعاقبا " پرداختهای خود طبق قرارداد را ، متوقف ساخت ، هوفمن بابت کلیه پیش قسطها و پرداختهای ادواری بعدی تا ماه بیست و پنجم قرارداد و بابت یکسال خدمات محلی ، مبلغ ۱۹،۴۷۶،۸۱۸ دلار آمریکا دریافت کرده بود.

* "milestone" payments

ماده ۱ قرارداد کل قیمت قرارداد را بین یا زده دسته اقلام تسهیم کرده بود، خواهان متعهد بود در تاریخهای مختلف طبق برنامه زمانی ذیل مواد ۲ و ۴ قرارداد، این اقلام را به وزارتخانه تحویل دهد. دیوان داوری برای تعیین میزانی که خواهان تعهداتش را در رابطه با هر قلم اجرا نموده و نیز تعیین مبلغ دیگری که وی استحقاق دریافتش را دارد و یا باید مسترد نماید، شروط مذکور قرارداد را به کار خواهد بست.

اقلام ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۱۱ مربوط به رادیو و تجهیزات ذی ربطی می شد که خواهان متعهد بوده است تا ژوئن ۱۹۷۷ به وزارت دفاع تحویل دهد. تحویل تمامی این تجهیزات به دلایل زیر اجرا نشده است: اسناد حمل تسلیمی خواهان، تلکس ارسال خواهان به وزارت دفاع در ۲۰ ژوئن ۱۹۷۷ (۳۰ خرداد ماه ۱۳۵۶) راجع به تکمیل تحویل تجهیزات، بدون هیچگونه اعتراض بعدی توسط وزارت دفاع، و نیز با توجه به این واقعیت که وزارتخانه یاد شده پرداخت ادواری بیست و پنجمین ماه را که مشروط به تکمیل تحویل تجهیزات بود، انجام داده است. لذا، دیوان داوری قانع شده است که خواهان تعهد خود را در رابطه با تحویل این تجهیزات به طور کامل اجرا نموده و بایدهای کامل آن را طبق قرارداد، یعنی مبلغ ۱۱،۴۰۷،۰۴۶ دلار آمریکا دریافت دارد.

قلم ۶ به جزوات و نشریات فنی که قرار بود همراه با تجهیزات تحویل شود مربوط می شود ادله و مدارک ثابت می کند که جزوات فنی مزبور تحویل داده شده است. مع هذا، وزارت دفاع ادعا می کند که طبق اصلاحیه قرارداد که در ۱۹ دسامبر ۱۹۷۸ (۲۸ آذر ماه ۱۳۵۷) امضاء شده، خواهان ملزم بوده که این جزوات را مورد تجدید نظر قرار داده و از نومنتشر کند. دیوان داوری متذکر می گردد که هیچ بخشی از بدهی قرارداد به این قلم اختصاص داده نشده است. بنا بر این، خواهان در رابطه با این قلم نباید طلبکار شناخته شود و نه بدهکار.

قلم ۸ که قیمت قراردادش ۵۶،۱۴۸ دلار آمریکا بود، به آموزشی که هوفمن قرار بود به کارکنان وزارتخانه بدهد، مربوط می گردید. خواهان گواهی نامه ای دایر بر تکمیل آموزش، از مقامات وزارتخانه مذکور، ارائه نموده و، بنا بر این استحقاق دریافت کل مبلغ ۵۶،۱۴۸ دلار را، دارد.

قلم ۱۰ به خدمات نماینده فنی محلی مربوط می شود و هوفمن متعهد بود طی ده سال اینگونه خدمات را تامین کند. این خدمات چنانکه بموجب صورت حساب مورخ ۱۰ نوامبر ۱۹۷۶ (۱۹ آبان ماه ۱۳۵۵) که وزارت دفاع بدون هیچگونه اعتراضی آنرا پرداخت، احراز می شود رسماً " در اول سپتامبر ۱۹۷۶ (۱۰ شهریور ماه ۱۳۵۵) آغاز و در ۶ دسامبر ۱۹۷۸ (۱۵ آذر ماه ۱۳۵۷) بهنگام عزیمت نماینده خدمات فنی محلی خواهان از ایران متوقف گردید. بنا بر این هوفمن استحقاق دریافت ۱۹۸،۷۰۲ دلار را بابت این قلم دارد.

قلم ۹، که مربوط به تعمیر و پیاپی ده کردن کامل درکارخانه می شود، اشکالات بیشتری را به وجود می آورد. به موجب ماده ۱ قرارداد، خواهان ملزم بود به مدت چهار سال برای کلیه تجهیزات تحویل شده این قبیل خدمات را ارائه دهد. مبلغ کل قیمت قرارداد که به این ضمانت اختصاص داده شده بود بالغ بر ۳،۴۶۷،۶۷۶ دلار آمریکا می گردید. در ماده ۲ قرارداد مقرر شده بود که "تعمیر و پیاپی ده کردن کامل درکارخانه، با تحویل اقلام شماره ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ آغاز و به مدت چهار (۴) سال برای هر یک از اقلام قرارداد ادامه خواهد یافت...". لیکن تصریح نشده بود که آیا این دوره چهار ساله از تاریخ یکسانی برای کلیه اقلام تحویل شده آغاز می شود یا اینکه برای هر قلم یا هر قطعه، محاسبه دوره مزبور جداگانه از تاریخ معین تحویل قلم یا قطعه شروع خواهد شد.

خواهان ادعای نمایندگی که مدت ضمانت برای کلیه تجهیزات از تاریخ اولین تحویل در اواخر سال ۱۹۷۵ آغاز شده و بنا بر این، قرارداد از این نظر بطور کامل اجرا گردیده است. خواننده معتقد است که تضمین کلیه اقلام تجهیزات از تاریخ تحویل آخرین قلم که در ژوئن ۱۹۷۷ صورت گرفت آغاز می گردد و از آنجا که هوفمن پاره‌ای از تجهیزات را که جهت تعمیر برای وی، به کالیفرنیا فرستاده شده عودت نداده است، در واقع ضمانت هرگز اجرا نگردیده است.

در مورد تاریخ شروع ضمانت، دیوان داوری متذکر می گردد که شرایط قرارداد و تفاهم بعدی طرفین در مورد اجرای قرارداد کاملاً نامشخص و حتی متناقض است. استدلال طرفین پرونده نیز این موضوع را روشن نساخته است. با توجه به ادله و مدارک ارائه شده، دیوان داوری عقیده دارد که بهترین تفسیری که می‌توان از قرارداد به دست داد، اینست که ضمانت تعمیرات کارخانه‌ای برای هر قطعه از تجهیزات از تاریخ معین تحویل آن شروع شده است.

در این مورد که آیا خواهان خدمات تعمیر را هنگامی که وزارت دفاع تقاضا نموده، عملاً انجام داده یا خیر، مدارک حاکیست که اقلام ارسالی توسط وزارتخانه یاد شده به هوفمن در کالیفرنیا پس از تعمیر یا پیاده کردن کامل، به وزارت دفاع عودت داده شده است. بعلاوه، در دسامبر ۱۹۷۵، طرفین موافقت کردند تعمیراتی که بدو "در حیطه ضمانت تعمیرات کارخانه‌ای است، حتی المقدور در ایران توسط نمایندگان محلی خواهان انجام شود. اختلافی در این نیست که خواهان بدو "نماینده محلی خود را به ایران فرستاده و بعداً"، بدون تحمیل هیچگونه هزینه‌ای به خواننده، دومین نماینده محلی را اعزام داشته است. بالاخره، هیچگونه دلیل و مدرکی در دست نیست که در طول مدت قرارداد

وزارت دفاع در مورد نحوه اجرای ضمانت تعمیرات کارخانه‌ای توسط هوفمن، شکایتی کرده باشد.

در رابطه با تاریخ قطع خدمات تعمیریه موجب ضمانت، دیوان داوری خاطرنشان می‌سازد که پس از اینکه نماینده محلی خواهان ایران را ترک گفت، وزارت دفاع برای ارسال تجهیزات به هوفمن در کالیفرنیا جهت تعمیر، با هیچگونه مانعی مواجه نبوده است. همچنین، دیوان مدرکی که مربوط به دوره قبل از اول سپتامبر ۱۹۷۹ (۱۰ شهریور ۱۳۵۸) (تاریخ توقف اجرای قرارداد توسط خواهان بعلت عدم پرداخت) باشد نیافته است که حاکی از خودداری خواهان از ارائه ضمانت تعمیرات کارخانه‌ای باشد.

بنابراین، دیوان به این نتیجه می‌رسد که خواهان ضمانت تعمیرات کارخانه‌ای را در مورد هر قطعه از تجهیزات، از تاریخ تحویل آن تا اول سپتامبر ۱۹۷۹ (۱۰ شهریور ماه ۱۳۵۸) ارائه نموده است. با در نظر گرفتن اختلاف قیمت اقلام ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵، تاریخهای متفاوت تحویل اقلام یاد شده و طول مدت ضمانت برای هر قلم، خواهان استحقاق دریافت مبلغ ۲،۱۶۵،۷۷۳ دلار آمریکا در رابطه با اجرای ضمانت تعمیرات کارخانه‌ای را، دارد.

وزارت دفاع ادعا می‌کند که وی به منظور تعمیر، تعدادی تجهیزات برای خواهان در کالیفرنیا فرستاده، که شامل هشت دستگاه رادیوی ARC، دودستگاه رادیو TRN، ۲۹ دستگاه رادیو VCS، یک دستگاه تله پرینتر زیمنس، نه دستگاه پانل جلوئی، یک دستگاه کانسول، یک دستگاه کویپلر و یک دستگاه CCA می‌باشد. وزارت دفاع ضمن ادعای اینکه هیچ یک از اقلام فوق برگردانده نشده، خواستار بازپرداخت قیمت قراردادی آنها که حسب ادعا ۱،۷۰۷،۳۹۶ دلار آمریکا است می‌باشد. بنا به اظهار خواهان، اکثر این تجهیزات به قراردادهای دیگر مربوط می‌شد،

و برای منظوره‌های دیگری غیر از تعمیر به کالیفرنیا فرستاده شده بود. خواهان، همچنین اظهار می‌دارد که وی اکثر تجهیزات مربوط به این قرارداد را به وزارت دفاع عودت داده و اینکه بموجب مقررات صادراتی کنونی دولت ایالات متحده صدور هرگونه تجهیزات متعلق به وزارتخانه مزبور که هنوز در اختیار خواهان است، ممنوع می‌باشد.

دیوان داوری، پس از بررسی ادله و مدارک به این نتیجه رسیده است که تعداد ۲۶ دستگاه رادیوی VCS و دستگاه تله‌پرینتر زیمنس، چند روز پس از امضای قرارداد ایستگاه‌های ثابت زمینی بین خواهان و وزارت دفاع در تاریخ ۱۶ آوریل ۱۹۷۸ (۲۷ فروردین ماه ۱۳۵۷) برای خواهان ارسال شد و وزارتخانه یاد شده، طبق این قرارداد ملزم بود این قبیل تجهیزات را در اختیار هوفمن قرار دهد. ادعای وزارت دفاع در مورد این اقدام به وضوح مربوط به قرارداد مستقل ایستگاه‌های ثابت زمینی است که موضوع پرونده شماره ۵۰ می‌باشد. ادعای مربوط به ۲۶ دستگاه رادیوی VCS و تله‌پرینتر زیمنس در بخش سوم توأم با رای مربوط به پرونده ۵۰ مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

دو دستگاه رادیوی TRN تجهیزاتی بود متعلق به خواهان که برای منظوره‌های آموزشی به وزارت دفاع امانت داده شده و سپس پس گرفته شده بود. اسناد حمل تسلیمی توسط خود وزارتخانه که حاوی این نوشته است "توجه: تجهیزات استقراری برگشتی"، این امر را به روشنی ثابت می‌کند.

تعدادش دستگاه رادیوی ARC برای استفاده در یک برنامه‌ها "غیر-مرتبط با پرونده حاضر موسوم به "ا و گوستا- بل" که طبق اظهار خواهان وی از طرفهای آن نبوده، برای خواهان ارسال شد. سایر رادیوها و تجهیزات مربوط، طبق دستورهای حمل مورخ ۳۱ اکتبر ۱۹۷۷ (۹ آبان

(۱۳۵۶)، ۲۱ و ۲۹ نوامبر ۱۹۷۷ (۳۰ آبان و ۸ آذرماه ۱۳۵۶)، و ۱۲ و ۱۳ دسامبر ۱۹۷۷ (۲۱ و ۲۲ آذرماه ۱۳۵۶) پس از تعمیر، از طریق بیل هلی - کوپتر به وزارت دفاع عودت داده شد.

بالاخره از ادله و مدارک تسلیمی توسط هر دو طرف و اقرارهای خواهان چنین برمی آید که به استثنای تجهیزات مربوط به قرارداد ایستگاههای ثابت زمینی و پروژه "اوگوستا - بیل" تجهیزات متعلق به وزارتخانه که توسط هوفمن مسترد نشده فقط شامل یک دستگاه رادیوی VCS و دو دستگاه رادیوی ARC که جهت استفاده در یک برنامه آموزشی ارسال شده بود، چهار دستگاه پانل جلو و یک دستگاه کانسول، می شود.

از این تجهیزات، خواهان هنوز دو دستگاه رادیو ARC، یک دستگاه رادیو VCS و یک دستگاه پانل جلو را در اختیار دارد. پرونده امر نشان نمی دهد که وزارت دفاع هرگز پیش از نوامبر ۱۹۷۹، یعنی هنگامی که بحران فیما بین دو دولت و متعاقب آن مقررات دولت ایالات متحده مانع برگشت این قبیل تجهیزات به ایران گردید، استرداد این تجهیزات را خواستار شده باشد. هوفمن هنوز از صدور تجهیزات مذکور به ایران به واسطه مقررات و سیاست دولت متبوع خود ممنوع می باشد. تحت این اوضاع و احوال، که از کنترل خواهان خارج است، عدم صدور تجهیزات به ایران نمی تواند عمل خلافی از جانب وی تلقی شود. همچنین، نمی توان ارزش این تجهیزات را به حساب بدهی خواهان گذاشت. لیکن خواهان، به عنوان امین، متعهد است که دو دستگاه رادیوی ARC، یک دستگاه رادیوی VCS و یک دستگاه پانل جلو را در اختیار خواننده قرار دهد.

در رابطه با بقید سه دستگاه پانل جلو و یک دستگاه کنسول، هوفمن معترف است که وی این اقلام را به مشتری دیگری فروخته، اما هیچگونه مدرکی دال بر قیمت فروش آنها ارائه ننموده است. دیوان داوری بر مبنای ادعای خواننده در مورد ارزش این اقلام که خواهان اعتراضی به آن نکرده، نتیجه می گیرد که هوفمن بابت این تجهیزات مبلغ ۱۸,۶۰۰ دلار آمریکا به وزارت دفاع بدهکار است.

قلم ۷ که مربوط به پشتیبانی قطعات یدکی است، متضمن اشکالات اساسی بوده و حائز اهمیت فراوانست، چه قرارداد مقرر می دارد که مبلغ ۸,۱۲۵,۱۲۰ دلار آمریکا قابل انتساب به خدمات پشتیبانی قطعات یدکی است. قرار بود این خدمات ۱۶ ماه پس از تاریخ شروع قرارداد، یعنی از تاریخ تحویل اولین تجهیزات طبق قرارداد، به مدت ده سال ارائه شود. با توجه به نتیجه گیریهای قرار اعدادی صادره در پرونده حاضر، روشن است که خدمات قطعات یدکی حداکثر به مدت سه سال از ده سال پیش بینی شده، اجرا گردیده است. در حالیکه خواننده ها استدلال می کنند که این خدمات با عزیمت نمایندگان محلی از ایران در دسامبر ۱۹۷۸ خاتمه یافت، با این حال هیچگونه دلیل و مدرکی ارائه نشده که حضور آنها برای خدمات پشتیبانی قطعات یدکی ضروری بوده است. علاوه بر این، خواهان ثابت کرده است که مقادیری قطعات یدکی پس از عزیمت نمایندگان محلی در ایران موجود بوده، و مدرکی نیست که نشان دهد خواننده بین دسامبر ۱۹۷۸ و سپتامبر ۱۹۷۹ قطعات یدکی که در ایران موجود نبوده درخواست کرده باشد. علیهذا، دیوان نتیجه می گیرد که از ده سال خدمات پشتیبانی قطعات یدکی، سه سال آن اجرا شده است. برای تعیین ارزش این خدمت می توان بهای مربوطه قرارداد را به ده تقسیم و حاصل را در سه ضرب کرد. رقمی که بدین طریق بدست می آید ۲,۴۳۷,۵۳۶ دلار آمریکا است.

معهدا ، خواهان استدلال می‌نمایند که این رقم به‌طور کامل منعکس‌کننده حدودی که‌وی تعهدات قراردادی‌اش را اجرا نموده ، نمی‌باشد ، زیرا اجرای خدمت مورد لزوم طبق این قلم قرارداد ، صرفاً "منحصر به انبارداری ، جابجا کردن و حمل قطعات یدکی که در مورد تعمیرات ضروری است ، نبوده است . خواهان مدعی است که بخشی از خدمات وی شامل تهیه و نگهداری ذخیره قطعات یدکی می‌شد . نگهداری موجودی قطعات یدکی ، هم در ایران و هم در ایالات متحده ، مشخصاً "طبق قرارداد (مواد اول و دوم ، قلم ۷) الزامی بود . بدینسان ، خواهان استدلال می‌کنند که خدمات ارائه شده توسط وی در رابطه با پشتیبانی قطعات یدکی نباید صرفاً " با تعداد سالهائی که خواهان این خدمات را ارائه نموده تعیین شود .

برنامه‌زمانی پرداخت طبق قرارداد را می‌توان موید استدلال خواهان در این مورد تلقی کرد . از کل بهای قرارداد (غیر از هزینه‌های قابل استرداد جهت نمایندگان محلی) ، مبلغ ۲۰،۲۸۸،۰۱۴ دلار آمریکا تا چهل و نهمین ماه قرارداد ، یعنی تا ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹ (۹ تیر ماه ۱۳۵۸) واجب‌الاداء بوده ، و فقط مبلغ ۲،۷۶۶،۹۷۶ دلار آمریکا ، می‌بایست در طول بقیه مدت قرارداد که اندکی بیش از هفت سال می‌شد ، تا پایان خدمات پشتیبانی قطعات یدکی ، پرداخت شود . این برنامه‌زمانی احتمالاً حاکی از آنست که طرفین تصدیق کرده بودند که هزینه اجرای خدمات مورد بحث طی سالهای نخستین ، حداکثر میزان ممکن است . برآوردهای داخلی خود خواهان در سال ۱۹۷۵ ، متضمن پیش‌بینی بالاترین میزان از کارافتادگی برای رادیوها در اولین ماههای بهره‌برداری و سیر نزولی این میزان پس از سال اول ، می‌باشد .

محاسبه میزان قطعات یدکی خریداری شده که قابل انتساب به قلم ۷ قرارداد باشد ، به‌ویژه با توجه به ادله و مدارک ناقص و تا حدی متناقض

موجود در این پرونده ، مشکل است .

خواهان ، ادله و مدارکی ارائه نموده به شکل یادداشت‌های داخلی وقت کارکنان و مدیر برنامه بل هلیکوپتر کامپنی ، همچنین سوگندنامه‌هایی از دو کارمند سابق بل ، که این مدارک اولاً " حاکی از آنست که خواهان در اواخر سال ۱۹۷۶ تصمیم گرفت که مقادیری قطعات یدکی در طول مرحله تولیدی قرارداد تهیه نموده و قسمت اعظم قطعات سوارشدنی و قطعات عمده دیگر را به جای نگهداری در کالیفرنیا ، در ایران ذخیره نماید ، و ثانیاً " اینکه ، تا سال ۷۸ - ۱۹۷۷ قریب به ۱۲ تا ۱۵ کانتینر کالای مشخص نشده ، هریک به وزن متوسط یک هزار پوند در ایران انبار شده بود . مع هذا ، خواهان فقط چند سند حمل مربوط به قطعات ارائه نموده و توضیح داده است که چون در قبال این محموله‌ها پرداختی صورت نگرفته ، لذا پرونده کامل آنها نگهداری نشده است . بعلاوه ، خواهان در خصوص قطعات نگهداری شده در انبار گمرک کالیفرنیا نیز ادله و مدارکی ارائه نکرده است . خواننده منکر آنست که تعداد کثیری قطعات یدکی به ایران حمل شده و در تاسیسات این انکار سوگندنامه دو نفر از کارکنانش را ارائه نموده است . در یکی از این سوگندنامه‌ها اعلام شده که در سال ۱۹۷۹ یک انبار قفل شده باز و کلاً " تعداد ۳۳۳ قطعه یدکی در آن یافت شد .

با در نظر گرفتن مجموع ادله و مدارک ، دیوان داوری بر این نظر است که خواهان اثبات کرده است که قطعات یدکی به ارزش تقریبی ۴۲۰،۰۰۰ دلار آمریکا در ارتباط با این قرارداد تهیه نموده است .

در این رابطه، دیوان داوری خاطرنشان می‌سازد که تعداد ۱۲ تا ۱۵ کاغذ نتینر ارسالی به خواننده که به گفته خواهان حاوی قطعات یدکی است با احتمال قوی می‌توانسته حاوی رادیوهای یدکی باشد، یعنی دستگاه‌هایی که در وسایط نقلیه یا هواپیما کار گذاشته نشده، بلکه جزئی از تجهیزات اولیه خریداری شده طبق قرارداد به شمار می‌رفته‌ونه، جزئی از ضمانت قطعات یدکی.

دیوان داوری برای این عقیده است که تهیه قطعات یدکی و انبار کردن آنها در ایران، صرفاً "طریقه‌ای برای اجرای ضمانت بوده و بنابراین خواهان بابت آن، مستحق اجرت خاصی نیست. بعلاوه، گوا اینکه قرارداد حاوی تعهدی مبنی بر تهیه و ذخیره کردن قطعات یدکی بوده، با این حال حدود تهیه این قطعات و ذخیره آنها در سال‌های اول عمدتاً "تابع تصمیم خود خواهان بوده است. نگهداری فقط یکسال ذخیره قطعات در ایران، الزامی بوده. قرارداد، خواهان را در نحوه اجرای تعهدش در این زمینه آزاد گذاشته بود. در واقع، خواهان، به شرح یادداشت داخلی اکتبر ۱۹۷۵ و مارس ۱۹۷۶ خود، تصمیم گرفت که با تهیه قطعات به قیمت حداکثر ۴۲۰،۰۰۰ دلار آمریکا، تعهدش را ایفا نماید. تحمل این هزینه، در قیاس با حق الزحمه‌ای که بابت ارائه سه سال خدمات به بیستانک حساب خواهان منظور می‌گردد، برای خواهان دشواری خاصی در بر ندارد.

خواهان، در سال‌های بعد خطر بروز رویدادهای محتمل الوقوع را تقبل کرده است. اگر خواهان در بدو امر به مقدار کافی لوازم ذخیره نمی‌کرد، ممکن بود که در سال‌های بعد برای تهیه آنها مجبور به تحمل مخارجی گردد که به نحو غیر قابل قیاسی عظیم باشد و بنا بر این، بخش قابل ملاحظه‌ای از ارزش قراردادی خدمات پشتیبانی لوازم یدکی، بدون شک

مربوط به ریسک فوق الذکر می باشد، یعنی ریسکی که انتفاء قرارداد، خواهان را از قید آن رها ندهد است. لذا، نگهداری پولهایی که خواهان به عنوان هزینه این ریسک و هزینه های اجرای ضمانت قطعات یدکی در طول سالهای بعد از انتفاء قرارداد قبلاً دریافت کرده منصفانه نیست. بنابراین، دیوان داوری دلیلی برای افزودن کل یا بخشی از هزینه تهیه قطعات، به مبلغ ۲,۴۳۷,۵۳۶ دلار آمریکا، که بر مبنای طول خدمات پشتیبانی قطعات یدکی محاسبه شده، و یا به طریق دیگر، انحراف از تقسیم (هزینه) متناسب با طول اجراء، نمی بیند.

بالاخره، خواهان استدلال می کند که در رابطه با اجرای قرارداد، پاره ای تجهیزات آزمایشی به ارزش ۲۵۰,۰۰۰ دلار آمریکا که به وزارت دفاع قرض داده در ایران باقی گذاشته و این تجهیزات هرگز عودت داده نشده است. مدارک تسلیمی خواهان به روشنی ثابت می کند که این تجهیزات توسط هوفمن در ۱۹ ژانویه ۱۹۷۷ (۲۹ دیماه ۱۳۵۵) از طریق بل هلیکوپتر به ایران حمل گردیده. وزارت دفاع هیچگونه دلیل و مدرکی در خصوص این موضوع ارائه نکرده و منکر ادعاهای خواهان نیز نشده است. علیهذا، دیوان داوری بر این نظر است که مبلغ ۲۵۰,۰۰۰ دلار آمریکا در رابطه با تجهیزات مذکور جزو طلب خواهان محسوب شود.

کل مبلغ دریافت شده توسط هوفمن دلار ۱۹,۴۷۶,۸۱۸

کل خدمات انجام شده توسط هوفمن

اقلام ۵,۴۳,۲۰۱ و ۱۱ (تجهیزات) دلار ۱۱,۴۰۷,۰۴۶

قلم ۸ (آموزش) دلار ۵۶,۱۴۸

قلم ۱۰ (خدمات نماینده های محلی) دلار ۱۹۸,۷۰۲

قلم ۹ (تعمیرات کارخانه ای) دلار ۲,۱۶۵,۷۷۳

قلم ۷ (لوازم یدکی) دلار ۲,۴۳۷,۵۳۶

طلب هوفمن بابت تجهیزات آزمایشی که در ایران

باقی گذاشته دلار ۲۵۰,۰۰۰

بدهی هوفمن بابت سه دستگانه پانل جلو

<u>یک عدد کانسول</u>	دلار (۱۸,۶۰۰)
<u>جمع کل</u>	دلار ۱۶,۴۹۶,۶۰۵

علیهذا، دیوان داوری برایین نظراست که خواهان طبق قرارداد خدماتی به ارزش کل ۱۶,۴۹۶,۶۰۵ دلار آمریکا ارائه نموده است. از آنجا که خواهان قبلاً مبلغ ۱۹,۴۷۶,۸۱۸ دلار آمریکا از وزارت دفاع دریافت نموده، بنا بر این متعهد است که ۲,۹۸۰,۲۱۳ دلار مابه التفاوت را به خواننده مسترد نماید.

۲ - ادعای متقابل

علی رغم قرار اعدادی صادره در پرونده حاضر، وزارت دفاع ادعای متقابلش را بابت خسارات ادعائی که در نتیجه قطع اجرای قرارداد توسط هوفمن متحمل شده، تجدید نموده است. معهدا، این قبیل ادعای متقابل قابل طرح نیست، زیرا قرار اعدادی تکلیف کلیه ادعاها یا ادعاهای متقابل مبنی بر نقض ادعائی قرارداد را، روشن ساخته است.

ج - بهره

برای جبران خساراتی که خواننده در نتیجه تاخیر در بازپرداخت مانده واجب الادا متحمل شده، دیوان منصفانه می داند که حکم به پرداخت بهره به نفع خواننده از اول سپتامبر ۱۹۷۹ (۱۰ شهریور ماه ۱۳۵۸) تا تاریخ این حکم، بدهد. گرچه شرط قراردادی محدود کردن بهره به آخرین پرداخت طبق قرارداد به نرخ ۱۰ درصد (ماده چهارم)، فی النفسه قابل اعمال به بهره مبلغی که به علت انتفاء قرارداد قابل استرداد است نمی باشد، با اینحال دیوان داوری همان محدودیتی را که طبق توافق طرفین به نفع خواننده تعیین شده برای خواهان نیز قائل می شود، بنا بر این بهره مبلغ مورد بحث ۱۰ درصد در سال خواهد بود.

د - هزینه‌ها

هرطرف ، خودهزینه‌های داوری خویش را تقبل خواهد کرد .

بخش سوم - ادعای شماره ۵۰

الف - ادعا

خواهان ، یک شرکت ایالت نوادا ، به عنوان جانشین هوفمن اکسپورت کورپوریشن ("هوفمن") ، یک شرکت سابق کالیفرنیا، مدعی خسارت بابت نقض ادعائی قرارداد توسط خواننده است . خواننده ، قبول ندارد که قرارداد در انقض کرده و ادعای متقابلی بابت خسارات نقض قرارداد توسط هوفمن و پرداخت پاره‌ای تضمین‌ها در رابطه با قرارداد ، مطرح می‌سازد .

قرارداد مورد بحث ، که در تاریخ ۱۶ آوریل ۱۹۷۸ (۲۷ فروردین ماه ۱۳۵۷) منعقد گردیده موسوم است به "قرارداد خرید در مورد سیستم‌های جامع مخابراتی ایستگاه ثابت جهت رادیوهای وی.سی.اس. - ۸۰۱ و وی.اچ.اف./ویو.اچ.اف. ، و خدمات نصب" . قرارداد ، در اصل هوفمن را ملزم می‌ساخت که برخی مطالعات محلی در ایران انجام داده ، و هفت سیستم نصب ایستگاه ثابت ، از جمله تجهیزات آزمایشی مربوط ، را تولید و آزمایش نموده و تحویل دهد و همچنین برخی خدمات آموزشی و نصب ، ارائه نماید . برخی از تجهیزات ، از جمله ۲۶ دستگاه رادیوی وی.سی.اس. ، دو دستگاه آزمایشی و هفت دستگاه تله‌پرینتر ، قرار بود توسط خواننده تهیه شود . کل قیمت قرارداد ۴،۳۸۵،۹۳۷ دلار آمریکا بود که ۲۰ درصد آن به عنوان پیش‌پرداخت در قبال ضمانت نامه بانکی و بقیه با گشایش اعتبار اسنادی غیر قابل برگشت ظرف هشت ماه پس از اجرای قرارداد ، قابل تادیه بوده است . علاوه بر ضمانت نامه بانکی پیش‌پرداخت ، هوفمن ملزم بود یک ضمانت نامه حسن انجام کار به میزان ۱۰ درصد قیمت قرارداد ، ارائه نماید . قرارداد مقرر می‌داشت که تجهیزات تولید شده یا تغییر داده شده ، ظرف ۱۰ تا ۱۲ ماه پس از تاریخ قرارداد تحویل داده شود . معهدا ، در قرارداد (بند ۱ - ۴ ماده دو) قید شده بود که

قطعیت برنامہ زمانی تحویل مبتنی است بروصول پیش پرداخت
و اعتبار اسنادی غیر قابل برگشت به مجرد صدور .

پیش پرداخت به مبلغ مقرر، یعنی ۸۷۷،۱۸۷ دلار آمریکا، تادیه و دوفقره
اعتبار اسنادی احتیاطی غیر قابل برگشت توسط بانک آو آمریکا در تاریخ ۲۵
آوریل ۱۹۷۸ (۵ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷) به نفع خواننده افتتاح شد، یکی به
مبلغ ۸۷۷،۱۸۷ دلار آمریکا جهت تضمین پیش پرداخت (به شماره SBLA-83401)
و دیگری به مبلغ ۴۳۸،۵۹۴ دلار به عنوان ضمانت نامہ حسن انجام کار (به شماره
SBLA - 83400). خواننده، در اواخر آوریل ۱۹۷۸، تعداد ۲۶ فقرہ رادیو
وی.سی.اس. و یک دستگاہ تلہ پرینتر برای ہوفمن ارسال نمود. ہوفمن مطالعات
محلی در ایران را با یک برنامہ آموزشی در ایالات متحدہ و کارہای مہندسی،
طراحی و تولید، آغاز کرد و با تعدادی شرکت قراردادهای فرعی منعقد ساخت.
در نوامبر ۱۹۷۸ ہوفمن بہ خوانندہ تذکر داد کہ لازمست اعتبار اسنادی برای مابقی
قیمت قرارداد حد اکثر تا ۱۶ دسامبر ۱۹۷۸ (۲۵ آذر ماہ ۱۳۵۷) طبق قرارداد،
افتتاح شود. ہیچگونہ پاسخی از وزارت دفاع دریافت نشد و اعتبار اسنادی
ہرگز افتتاح نگردید. در ۲۳ ژانویہ ۱۹۷۹ (سوم بہمن ماہ ۱۳۵۷) ہوفمن
بہ خوانندہ اطلاع داد کہ وی کارہا را متوقف ساختہ و بہ ناچار جهت کاهش خسارات اقدام خواہد
کرد، مگر آنکہ اعتبار اسنادی تا ۱۴ فوریہ (۲۵ بہمن ماہ) گشایش یابد. پس
از آنکہ پاسخی از وزارتخانہ دریافت نشد، ہوفمن قراردادهای فرعی را فسخ و
مواد و مصالح را تا آنجا کہ امکان داشت بہ فروشندگان خود پس داد.

خواہان، جبران ہزینہهای خود را بہ میزانی کہ زائد بر مبلغ پیش پرداخت بودہ و
ہمچنین بہرہ این ہزینہها و خسارات ناشیہ از کاهش ارزش دلار را، مطالبہ می کنند.
خوانندہ، متقابلاً "استرداد پیش پرداخت و پرداخت وجہ الضمان حسن انجام کار مطالبہ
می نماید. ہر دو طرف طالب بہرہ و ہزینہها ہستند. ادعای پرداخت دو
فقرہ اعتبار اسنادی احتیاطی مربوط بہ پیش پرداخت و ضمانت نامہ حسن انجام کار
علیہ بنک آو آمریکا در این دیوان اقامہ گردیدہ است (ادعای شماره ۶۸۶ و

در ۲۸ اکتبر ۱۹۸۳ (۶ آبان ماه ۱۳۶۲) جلسه استماعی برگزار شد که هر دو طرف در آن حضور داشتند

ب - صلاحیت

تنها مسئله مربوط به صلاحیت که در این پرونده مطرح گردیده مربوط به هویت و اثبات تابعیت خواهان است. همانطور که در بالا اشاره شد، مطابق قرارداد فروشنده، عبارت بوده است از هوفمن اکسپورت کورپوریشن، یعنی یک شرکت کالیفرنیا "تاما" متعلق به گولدا اینکورپوریتد که خود یک شرکت سهامی عام ایالات دله وری بوده است. خواهان ادله و مدارک کافی به دیوان تسلیم کرده و دیوان را متقاعد ساخته که گولدا اینکورپوریتد در کلیه مواقع زیربط، یعنی از ۱۶ دسامبر ۱۹۷۸ تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۵ آذر ماه ۱۳۵۷ تا ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) تبعه ایالات متحده در مفهوم بند ۱ (ب) ماده هفت بیانیه حل و فصل ادعاها بوده، و نیز اینکه هوفمن و جانشین وی گولدا اینکورپوریتد، به عنوان شرکتهای تابعه "تاما" متعلق به گولدا اینکورپوریتد نیز تبعه ایالات متحده در مفهوم بند ۱ (ب) ماده هفت فوق الذکر، می باشند. در این که خواننده مشمول تعریف ایران در بند ۳ ماده هفت مذکور است نیز، جای بحثی نمی تواند باشد.

ج - اصل دعوی

در حالیکه استدلال حقوقی خواهان تا حدی ناهماهنگ است، چون گاهی به نقض قرارداد دوزمانی به تاخیر موجه و نهایتاً "انتفاء" قرارداد استناد می کند، خواننده بنحوی یکدست و هماهنگ استدلال نموده که تنها مورد نقض، قرارداد عدم تحویل (اجناس) توسط هوفمن بوده و نیز اینکه عدم افتتاح اعتبار اسنادی توسط وی (خواننده) هوفمن را از ادما اجرا معذور نمی داشته، قرارداد دبه قوت خود باقی است و بالاخره اینکه چنانچه هوفمن تحویل را صورت دهد، وی قیمت قرارداد را خواهد پرداخت. خواننده اظهار می دارد که اختلال در سیستم بانکی در سال ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) در نتیجه انقلاب ایران مانع گشایش اعتبار اسنادی در آن زمان گردید و مدعی

است که خروج نمایندگان محلی هوفمن از ایران در سال ۱۹۷۸ (۱۳۷۵)، که به موجب قرارداد دیگری در ایران به سر می‌بردند (موضوع دعای شماره ۴۹) این شبهه را در خواننده ایجا نکرد که آیا هوفمن مایل به اجرای قرارداد ایستگاه ثابت خواهد بود یا نه و عدم گشایش بعدی اعتبار اسنادی پس از تخفیف یافتن مشکلات بانکی را، توجیه نمود.

با بررسی قرارداد و ادله و مدارک ارائه شده در این پرونده، دیوان داوری به این نتیجه می‌رسد که عدم گشایش اعتبار اسنادی و یا عدم ارسال اطلاعیه فسخ قرارداد در تطبیق ماده شش قرارداد توسط خواننده، مغایر با تعهدات قراردادی اش بوده است. از آنجا که خواهان خسارت عدم النفع بخش اجرا نشده کار را مطالبه نکرده و با توجه به شرایط بندهای ب و د ال ماده شش که طبق آن خواهان مجاز بود هزینه‌های واقعی را به عنوان هزینه‌های فسخ، شامل بهره متعلقه، دریافت نماید، ضرورتی ندارد که دیوان تعیین نماید که قرارداد فسخ شده یا نقض گردیده، چه هزینه‌های فسخ و خسارات ادعائی، اساساً "یکسان خواهد بود. گو اینکه اعتصابات بانکی ممکن است از افتتاح اعتبار اسنادی در ۱۶ دسامبر ۱۹۷۸ (۲۵ آذرماه ۱۳۵۷) ممانعت کرده باشد (گرچه خواننده دلیل و مدرکی در تائید این ادعا ارائه نکرده)، اما اعتبار اسنادی مسلماً "می‌توانست قبلاً" و احتمالاً "بعدا"، در صورتیکه خواننده و بانک مرکزی مایل به اینکار بودند، گشایش یابد. در مجموع، شرایط ذریب قرارداد خواننده را ملزم می‌کرد که اعتبار اسنادی را تا ۱۶ دسامبر ۱۹۷۸ (۲۵ آذرماه ۱۳۵۷) و یا ظرف مدت معقولی پس از آن، افتتاح نماید. مطمئناً "نمی‌شد انتظار داشت که در نبود اعتبار اسنادی هوفمن به کار ادا می‌دهد. بدیهی است این نتیجه‌گیری مستلزم رد ادعای متقابل نیز هست.

ادله و مدارک تسلیمی خواهان راجع به کار خود و قراردادهای فرعی که وی منعقد ساخته بود ثابت می‌کنند که چنانچه اعتبار اسنادی تا ضرب الاجل تعیین شده در قرارداد، یعنی ۱۶ دسامبر ۱۹۷۸ (۲۵ آذرماه ۱۳۵۷) گشایش یافته بود، هوفمن قادر می‌شد تجهیزات را طبق برنامه زمانی قرارداد تکمیل و ارسال کند. عدم گشایش اعتبار اسنادی و یا عدم ارسال اطلاعیه کتبی فسخ به فروشنده ظرف

مدت معقولی پس از ۱۶ دسامبر ۱۹۷۸ (۲۵ آذرماه ۱۳۵۷)، وضعی به وجود آورد که هوفمن را ناگزیر از فسخ قراردادهای فرعی و اقدام در جهت تقلیل خسارات نمود.

تعیین میزان خسارات و هزینه‌های فسخ در این پرونده نسبتاً آسانست. خواهان مدارکی در تائید این ادعایش ارائه نموده که وی متحمل هزینه‌های بابت نیروی کار، مواد و مصالح، هزینه‌های بالاسری و هزینه‌های فسخ قراردادهای فرعی بالغ بر ۹۴۳،۰۳۹ دلار آمریکا، و هزینه‌های عمومی اداری به میزان ۲۲۸،۲۱۵ دلار آمریکا، جمعاً " به مبلغ ۱،۱۷۱،۲۵۴ دلار آمریکا، گردیده است. گرچه خواهان خسارت عدم‌المنفع برای بخش اجرا نشده قرارداد مطالبه نمی‌کند، با این حال خواستار سودی به میزان ۳۵ درصد کل هزینه‌ها به مبلغ ۴۰۹،۹۳۹ دلار آمریکا و همچنین استرداد وجوه پرداختی بابت خاتمه خدمت، به مبلغ ۱۸،۸۵۸ دلار آمریکا و هزینه‌های انبارداری، به میزان ۱۳،۸۱۸ دلار آمریکا است. خواهان تصدیق می‌کند که مبلغ ۸۷۷،۱۸۷ دلار آمریکا بابت پیش پرداخت و ارزش شش دستگاره رادیویی خواننده که خواهان به مشتری دیگری فروخته‌اید از مبلغ ادعایش کسر شود. بهای قراردادی این شش رادیو ۲۵۸،۶۹۶ دلار آمریکا بوده که بهترین مدرک موجود در مورد قیمت آنهاست. تعداد ۲۰ دستگاره رادیویی وی.سی.اس. دیگر، با اضافه یک دستگاره تله‌پرینتر که همگی متعلق به خواننده است، همچنین تجهیزات متفرقه‌ای که طبق قرارداد در اختیار (خواهان) قرار گرفته و نمی‌توانسته در اثناء اعتبار عودت داده شده و یا بنحوسودآوری واگذار گردد همچنان در تاسیسات خواهان در کالیفرنیا باقی است.

دیوان داوری بر این نظر است که خواهان استحقاق دارد که بابت خسارات یا هزینه‌های فسخ، بطور خلاصه مبلغ ۴۷۷،۹۸۶ دلار آمریکا دریافت نماید.

از آنجا که به موجب حکم حاضر، خواهان طبق قرارداد مورد بحث، در تعهداتش نسبت به خواننده قصور نورزیده و قرارداد نیز دیگر معتبر نیست، نتیجه این می‌شود که هیچگونه ادعایی برای پرداخت یا تمدید نمی‌تواند قانوناً توسط خواننده یا بانک مرکزی به استنادد و فقره اعتبار اسنادی احتیاطی مربوط به

پیش پرداخت و ضمانت نامه حسن انجام کار، اقامه شود.

در رابطه با رادیوها و سایر تجهیزات مورد اشاره در فوق که هنوز در کالیفرنیاست، دیوان داوری معتقد است که این اموال متعلق به خواننده است و به خواهان دستور می‌دهد که آنها را در اختیار خواننده قرار دهد.

د - بهره

برای جبران خساراتی که خواهان به علت تاخیر در پرداخت متحمل شده، دیوان داوری، در نبود هرگونه نرخ بهره مورد توافق در قرارداد، حکم به پرداخت بهره به نفع خواهان، به نرخ ۱۲ درصد در سال نسبت به خالص مبلغ خسارات یا هزینه‌های فسخ را، با محاسبه از ۳۰ آوریل ۱۹۷۹ (۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸)، منصفانه تشخیص می‌دهد. تاریخ فوق مدتی موخر بر تاریخ مقرر در قرارداد جهت گشایش اعتبار اسنادی است که احتمالاً "در اوضاع و احوال پرونده حاضر می‌تواند مدت معقولی تلقی شود. در این رابطه، دیوان ادعای مربوطه خواهان در مورد کاهش ارزش دلار از سال ۱۹۷۹ را، مردود می‌شناسد.

ه - هزینه‌ها

هر طرف را سا " هزینه‌های داوری خود را تقبل خواهد کرد.

بخش چهارم - محاسبه مبلغ خالص محکوم به

همانطور که در بالا بحث شد، دیوان داوری به این نتیجه‌گیری رسیده است که در پرونده شماره ۴۹، خواهان مبلغ ۲,۹۸۰,۲۱۳ دلار آمریکا به اضافه بهره به نرخ ۱۰ درصد در سال از اول سپتامبر ۱۹۷۹ (۱۰ شهریور ماه ۱۳۵۸) به خواننده بدهکار و در پرونده شماره ۵۰، خواننده مبلغ ۴۷۷,۹۸۶ دلار آمریکا با اضافه بهره به نرخ ۱۲ درصد در سال از ۳۰ آوریل ۱۹۷۹ (۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) به خواهان بدهکار است. با احتساب بهره تا تاریخ این حکم، مبالغ مزبور عبارتند از ۴,۴۱۳,۵۹۳/۰۶ دلار در پرونده شماره ۴۹ و مبلغ ۷۷۳,۳۴۵/۹۳ دلار در پرونده شماره ۵۰. بدینسان، خالص مبلغ قابل پرداخت به خواننده ۳,۶۴۰,۲۴۷/۱۳ دلار آمریکا می‌باشد.

حکم

دیوان داوری به شرح زیر حکم صادر می‌کند:

خواهان، گولدمارکتینگ اینکورپوریتد، متعهد است مبلغ ۳,۶۴۰,۲۴۷/۱۳ دلار آمریکا به خواننده، وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران، بپردازد.

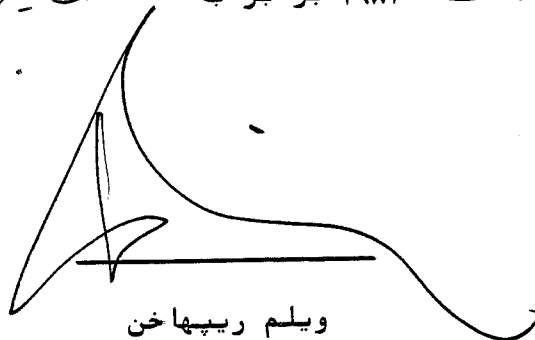
ادعاهای متقابل از لحاظ ماهوی رد می‌شوند.

اعتبارات اسنادی احتیاطی بنک آوامریکا (به شماره‌های SBLA-83400 و SBLA-83401, مورخ ۲۵ آوریل ۱۹۷۸ (۵ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷) سالبه انتفاع موضوع بوده و طرفین نبایدهیچگونه اقدام دیگری جهت مطالبه یا وصول مبلغ آن به عمل آورند.

خواهان، گولدمارکتینگ اینکورپوریتد متعهد است تعداد ۲۱ دستگاه رادیوی VCS، دو دستگاه رادیوی ARC، یک دستگاه تله‌پرینتر، یک دستگاه پانل جلو و تجهیزات و مواد متفرقه‌ای که طبق قرارداد مربوط در پرونده شماره ۵۰ در اختیار (خواهان) قرار گرفته و بابت طلب عودت داده نشده و یا به نحو سودآوری واگذار نگردیده و لذا متعلق به خواننده است، در اختیار خواننده وزارت دفاع جمهوری اسلامی قرار دهد.

هریک از طرفین هزینه‌های داوری خود را در این ادعاها، راساً "تقبل خواهد کرد."

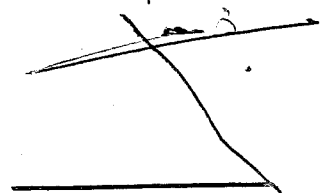
لااه، به تاریخ ۲۲ رز ۱۹۸۴ برابر با اول تیرماه ۱۳۶۳



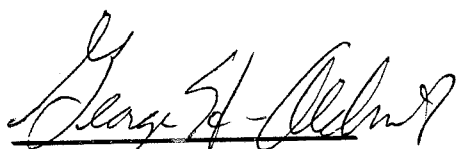
ویلم ریپهاخن

رئیس شعبه دو

بنام خدا



شفیع شفیعی



جرج اچ. آلدریج